

اعلام‌الدین

حدیث روز:

امام حسن (ع):
بر شما باد به تفکر که تفکر مایه حیات قلب
شخص بصیرت وکلید در حکمت است.

واحه:

پشمنه پوش تندخو از عشق نشنیده است بو
از مستی اش رمزی بگو تا ترک هشیاری کند

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۷/۵۳
اذان مغرب: ۱۷/۱۱
اذان صبح (فردا): ۵/۲۶
غروب آفتاب: ۱۶/۵۱
نیمه شب شرعی: ۲۳/۸۹
طلوع خورشید (فردا): ۶/۵۵

وضعیت

آب و هوای

امروز

تهران
۸ / ۶

ایلام
۱۳ / ۴

ارومیه
۴ / -۱

بیرجند
۲۰ / ۵

ساری
۱۳ / ۶

شهرکرد
۹ / ۲

شیراز
۱۸ / ۹

کرمانشاه
۹ / ۱

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما ی جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

شایه: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰
پایگاه اطلاع‌رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir



یکشنبه ۹ آذر ۱۳۹۹ | ربیع الثانی ۱۴۴۲ | صفحه ۱۸۱ سال بیست و یکم - شماره ۵۸۱۵ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - November 29, 2020

خودنویس

کدام تروریست؟



علیرضا رافتی

روزنامه‌نگار

بازی بسیار حرفه‌ای پیش می‌رود. یک جریان فکری ساختگی از اسلام پا می‌گیرد. بنای می‌گذارد. آن هم زشت‌ترین قیافه کشتار که کشتن ناغافل است و در دنیا به آن می‌گویند ترور. بعد جریان‌ها و حکومت‌هایی در جهان از آن گروه‌های به ظاهر مسلمان حمایت مالی و استراتژیک می‌کنند که بیشتر بکشند و بیشتر بتوانند بهشان بگویند «تروریست». بعد هم خودشان با بازوهای قوی رسانه‌ای‌شان علم اسلام‌هراسی بلند می‌کنند و جهان را به مبارزه با تروریسم دعوت می‌کنند. کدام اسلام؟ کدام تروریست؟ ترور یا کشتن ناغافل از صدر اسلام و توسط مسلمانان رایج بوده اما کدام مسلمانان؟ مسجد کوفه در شب نوزدهم رمضان شاهد است مردی که خود را مسلمان می‌خواند، ناغافل به علی (ع) پیشوای مسلمانان که سر به سجده گذاشته بود، حمله کرد و فرقتش را شکافت. کوه‌های کوفه شاهدند مردمانی که خود را مسلمان می‌خواندند روزی با دشنه و قداره قصد ترور حسن پسر همان علی (ع) را کردند که ناکام ماندند اما نفس ترور انجام شده بود و آن هم به دست مسلمان‌ها. اما کدام مسلمان؟ مسلم پسر عقیل (ع) که سفیر حسین (ع) در کوفه بود، می‌دانست حاکم کوفه قرار است او را بکشد. می‌دانست که قرار است کوفه را مقتل پسرعمو و پیشوایش کنند. هانی که از همراهان او بود عمداً با اتفاقاً به بستر بیماری افتاد و حاکم کوفه به عیادت آمد. مسلم با شمشیر برهنه پشت پرده بود و بنا بود وقتی هانی طلب آب کرد از پشت پرده به در آمده و حاکم را بکشد. غفلتا بکشد. ترور کنند. اما هانی هر چه آب خواست مسلم بیرون نیامد که نیامد. بعد از رفتن حاکم، هانی شاکی شد که پس برنامه و نقشه‌ها مان چه شد؟ مسلم گفت باد حرف رسول خدا افتادم که مسلمان کسی را ناغافل نمی‌کشد.

حالا که دنیا علم اسلام‌هراسی و مبارزه با تروریسم را بلند کرده، روز روشن توی خیابانی‌در شهر، خودرویی غیرنظامی را هدف ترور می‌کنند و کسی در دنیا آن نمی‌گوید. باید از رسانه‌های دنیا پرسید دقیقاً منظور نام کدام تروریست است؟

گفت‌وگو با منصوره کرمی، همسر شهید مسعود علیمحمدی، اولین شهید هسته‌ای ایران این صبر که من می‌کنم افشردن جان است...

ماهره آشیانی
روزنامه‌نگار

تصور کن، زندگی خانوادگی‌ات روی روال عادی است. همسرت که او را بسیار دوست می‌داری استاد دانشگاه است و

فیزیک درس می‌دهد. می‌دانی که یکی از بهترین استادان است در دانشگاه شریف و تهران. می‌دانی شخصیت قابل احترامی است؛ می‌دانی باسواد است و اطلاعاتش آن قدر زیاد است که می‌توان نام دانشمند و محقق به او داد. اما در زندگی خانوادگی آرام است و مرد خانواده و تو در کنار این مرد و فرزندانت خوشبختی. همسرت مردی با اخلاق و متدین است که خانواده برایش اولویت دارد. این همه خوشبختی اما یکباره در صبح ۲۲ دی سال ۸۸ تو گرفته می‌شود. مردت از خانه بیرون می‌رود برای رفتن به محل کار و دانشگاه، اما درست مقابل خانه‌ات ترور می‌شود. موتوری که نزدیک خانه گذاشته شده منفجر می‌شود و تمام... همسرت، دکتر علیمحمدی برای همیشه می‌رود. شهید می‌شود. آن هم جلوی چشم‌مانت و این آغاز ترور دانشمندان هسته‌ای است. شبیه این اتفاق عصر جمعه هم رخ داد برای آقای محسن فخری‌زاده؛ تروری که یاد همه توروها را بر ایمان زنده کرد.

با منصوره کرمی، همسر شهید علیمحمدی



بر سر دشمن فریاد بکشیم

آقای فخری‌زاده عزیزمان را به شهادت رساندن. کار اسرائیل بود و آمریکا و عربستان. همان دست‌هایی که همسر مرا شهید کرد اکنون دکتر فخری‌زاده را از ما گرفته است. زمانی که آقای علیمحمدی شهید شدند بر سر آقای عباسی فریاد زدم کشور پر از جاسوس شده به جای ردگیری و پیدا کردن آنها، جناح‌ها به جان هم افتاده‌اند و دعوایار انداخته‌اند برای رسیدن به قدرت. الان هم می‌گویم از جمعه که آقای فخری‌زاده

شهید شده دوباره دعوای جناحی راه افتاده است. به جای محکوم کردن دشمن و ایجاد اتحاد، همه به جان هم افتاده‌اند و یکدیگر را محکوم می‌کنند. این روش که به نفع دشمن است. چرا با اختلافات داخلی، دشمن را شاد و قوی می‌کنید؟ آنها پول دارند، دانش هم دارند و از دعوای داخلی استفاده کرده و دانشمندان ما را ترور می‌کنند. پس کنید این اختلاف‌ها

خام کرمی می‌گوید: درباره صبر بر مصیبت و این که چگونه آن شرایط را تاب آوردم، سراغ آدم مناسبی نیامدی. نمی‌توانم برایت شعارهای قشنگ و حرف‌های کل درشت بزنم. من در زمان شهادت آقای علیمحمدی آدم صبوری نبودم و هنوز هم بسیار گلايه‌مندم از آدم‌هایی که مرا به صبر توصیه می‌کردند و این که گریه نکنم. چطور می‌توان آرام بود و گریه نکرد آن هم وقتی همسرت را که بهترین یاور و عزیزترین کس تو بود از دست داده‌ای. به نظر در این شرایط آدم‌های پیرامونت و جامعه باید صبور باشد. باید اجازه بدهد تو دوره سوگواری را بتهیجان که دوست داری و آرامت می‌کند، سپری کنی. جامعه در چنین شرایطی باید بدون قضاوت صبر کند. چرا وقتی عزیزی را از دست می‌دهیم، آن هم آدم‌های بزرگی مثل شهید علیمحمدی یا شهید فخری‌زاده جامعه به سرعت به سمت خانواده این شهیدان می‌آید و اما اگرها و بکن نکن‌ها شروع می‌شود. چرا مردم قبول نمی‌کنند که شاید فرهنگ زیستی و تاب‌آوری ما با آنها تفاوت داشته باشد. خیلی‌ها آن روزها به دیدن ما می‌آمدند،

۴ سال قبل متوجه خطر شده بود سال ۸۴ بود که همسر من به من هشدارهایی داد. گفت مراقب باشم، هم در خانه و هم بیرون. وارد جزئیات نمی‌شد، اما به من و بچه‌ها مدام می‌گفت مراقب باشیم. سال ۸۸ شهیدش کردند و من آن زمان متوجه خطر می‌شدم که او آن یاد می‌کرد یعنی چه؟ برخی حرف‌هایی می‌زدند که داغ ما را چند برابر و مرا به شدت عصبی می‌کرد. یادم هست یکی از

را. همسر من در دوره آقای احمدی‌نژاد شهید شد. آقای فخری‌زاده در دوره آقای روحانی. فرق نمی‌کند چه کسی رئیس جمهور باشد؛ اگر آنها تصمیم بگیرند که یکی از ما را شهید کنند؛ می‌کنند و آنچه آنها را قوی می‌کند اختلافات داخلی است. آنها این اختلافات را رصد می‌کنند و از همین‌ها نقاط ضعف ما را پیدا می‌کنند. به او... این دعوایا ظلم است به ملت. صبر در این شرایط شکل می‌گیرد. در خوشبختنداری و این که به جای انرژی گذاشتن و آرام کردن دعوای آدم‌هایی که برای قدرت شلوغ‌بازی درمی‌آورند به دنبال چنایت‌کاران اصلی باشیم. رودروی آنها بایستیم. اگر این جناح‌بازی‌ها و دعوای داخلی ادامه داشته باشد تا چشم روی هم بگذاریم یکی دیگر از بهترین‌های ایران را از دست داده‌ایم. دشمن داناست. آنها ما را به جان هم می‌اندازند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند. حواس ما نباشد در زمین دشمن بازی نکنیم.

برخی مهربانانه و دلسوزانه با ما همدردی می‌کردند و از خوبی‌های آقای علیمحمدی می‌گفتند. این گروه واقعا تسکین‌دهنده بودند. من با بخش علمی و دانش گسترده شهید علیمحمدی بعد از شهادتش آشنا شدم و به آن افتخار می‌کنم. وقتی به سر مزارش می‌رویم و مردم زیادی را می‌بینم که آنجا هستند و برایش فاتحه می‌خوانند خوشحال می‌شوم. اولیقت داشت که به درون قلب مردم راه باز کند و قدر ببیند. شهادت، اوج قدریافتگی او بود.

۴ سال قبل متوجه خطر شده بود سال ۸۴ بود که همسر من به من هشدارهایی داد. گفت مراقب باشم، هم در خانه و هم بیرون. وارد جزئیات نمی‌شد، اما به من و بچه‌ها مدام می‌گفت مراقب باشیم. سال ۸۸ شهیدش کردند و من آن زمان متوجه خطر می‌شدم که او آن یاد می‌کرد یعنی چه؟ برخی حرف‌هایی می‌زدند که داغ ما را چند برابر و مرا به شدت عصبی می‌کرد. یادم هست یکی از فرهنگ عمومی جامعه باید تغییر کند و مردم باید آگاه شوند و آگاهانه رفتار و زندگی کنند. الان متأسفانه همه چیز قاطی شده و همه خبره و آگاه به علوم مختلف شده‌اند. این اظهارنظرهای می‌مورد در همه سطوح آزاددهنده است. در سالی که آقای علیمحمدی شهید شد؛ برخی از دوستان و همکاران او کمک‌های معنوی و همدلانه زیادی با ما کردند که برای عبور از آن مصیبت برای ما نجات‌دهنده بود. خانم دکتر ملک‌زاده همراه بسیار خوبی برای من بود. من که لیسانس روان‌شناسی داشتم را تشویق کرد که دوباره درس بخوانم. کتاب‌های کنکور را برایم گرفت. هر روز یا به دیدنم می‌آمد یا تلفنی به پای صحبت می‌کردیم و مدام تشویق می‌کرد که برای عبور از این بحران و دوره باید به دانشگاه بروم تا درس خواندن از این مقطع فاصله بگیرم. درس‌را خواندم و این روزها مشغول آماده‌کردن پایان‌نامه‌ام در مقطع دکترا هستم. تدریس هم می‌کنم. در این سال‌ها همه تلاش‌ام را کرده‌ام که با نبودن همسرم کنار بیایم؛ همسری که بسیار عزیز بود و هست.



کافه

میرداماد

همسر شهید مسعود علیمحمدی (عکس: جام جم)

همسایه‌ها به خانه‌مان آمد و بدون ملاحظه گفت: شنیده‌ایم همسرت می‌خواسته اسناد هسته‌ای را از کشور خارج کند! فریاد کشیدم این چه حرفی است که می‌زنید؟ شما به همسر من تهمت خیانت به وطن می‌زنید؟ مردی که همه عمر برای ایران و پیشرفت علم ایران تلاش کرد؟ آن روزها، خیلی سخت بود. مردم ما، مردم بسیار خوبی هستند، شریفند اما گروهی درباره همه چیز اظهارنظر می‌کنند. اطلاعات پراکنده‌ای به دست می‌آورند و با همان‌ها حکم می‌دهند. اینها خطرناکند. اینها برای روان جامعه مضر هستند. الان هم کرونا آمده با همه مصیبت‌ها و خطرهایش. باز هم همین گروه درباره کرونا نظر می‌دهند. هر جا لازم باشد سیاستمدار می‌شوند و جای دیگر پزشک و جایی هم اقتصاددان.

همراهی یک دوست خوب

ارادل واوباش وقتی چه چیز را فهمید چه کرد؟

حکیمی که در موسسه فرهنگی هنری چندمنظوره حکمت‌گستران بگیش به تدریس درس حکمت ژئوپلیتیک می‌پرداخت، روزی متوجه شد یکی از

همکارانش که جلسات کارگاهی حکمت اکونومیک را اداره می‌کرد، مکدر و گرفته و ناراحت است. نزد وی رفت و علت گرفتگی و ناراحتی وی را از وی جویا شد. همکار حکیم گفت: من به‌علت آن‌که حق‌التدریس موسسه کفاف زندگی‌ام را نمی‌دهد عصرها با پراید مسافرکشی می‌کنم. هرشب وقتی کارم تمام می‌شود و به خانه برمی‌گردم همین‌که ماشین را پارک می‌کنم، یکی از ارادل و اوباش محل صراغ می‌آید و با چوپ تهدید و مجبورم می‌کند هرچه کار کرده‌ام او به بدهم. وی افزود: نمی‌دانم با این وضع چه کنم. حکیم گفت: من راهی به تو یاد می‌دهم که اگر یک شب آن را اجرا کنی، لااقل تا دو هفته از دست وی خلاص می‌شوی. همکار حکیم گفت: دو هفته هم در نوع خوب است. پس حکیم راه حل پیشنهادی خود را در گوش وی به وی گفت.

همکار حکیم آن‌روز هم پس از پایان ساعت اداری با پراید به مسافرکشی مشغول شد و وقتی کارش تمام شد و به خانه برگشت همین‌که ماشین را پارک کرد، ارادل و اوباش یادشده صراغش آمد و با چوپ تهدیدش کرد و از او خواست هرچه کار کرده‌است به او بدهد.

در این لحظه همکار حکیم به توصیه حکیم عمل کرد و ماسکنش را پایین داد و به ارادل و اوباش گفت تست کرونیایش مثبت شده‌است. ارادل و اوباش همین‌که این جمله را شنید، چوب را انداخت و پا به فرار گذاشت و همان‌طور که حکیم گفته بود تا دو هفته در آن اطراف پیدایش نشد و بعد از دوهفته بار دیگر در آن اطراف پیدایش شد و به کار خود مشغول گشت. اما از آنجا که آنتی‌بادی نداشت دیگر سراغ همکار حکیم نرفت.

حل جدول عادی شماره ۵۸۰۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	م	ز	ب	ا	ت	ف	ر	ح	ا	ط	ی	ف	ه	۵
۲	د	ا	د	ک	ا	ه	ی	ح	ر	ا	ی	ی	ج	۶
۳	ک	و	ز	ت	ا	م	ل	ا	ن	ن	ی	ج	ر	۷
۴	ل	ت	م	و	ا	ت	ک	ی	و	ت	و	ا	ا	۸
۵	ح	ا	ک	ی	ک	ت	ب	ی	و	ا	ی	ا	۹	۹
۶	ک	ی	ب	د	ا	خ	ل	ا	ر	ت	ش	ا	۱۰	۱۰
۷	ی	ن	ا	ل	ب	د	ا	خ	ل	ا	ق	ر	ب	۱۱
۸	ش	ا	ب	ا	ش	م	ر	ح	ی	ن	و	ک	ا	۱۲
۹	ر	ز	ن	د	ه	ی	ا	د	ا	ز	ن	ا	۱۳	۱۳
۱۰	ی	و	م	ی	ه	ن	ب	ا	ت	ا	ه	و	۱۴	۱۴
۱۱	ق	و	س	ی	د	ه	ش	ت	د	ر	ا	ز	ر	۱۵
۱۲	م	ت	ن	ف	ر	ف	ا	خ	ر	و	س	د	۱۶	۱۶
۱۳	م	ر	ه	م	ج	و	ل	ا	ی	ز	ی	د	۱۷	۱۷
۱۴	ر	ا	ب	ر	ا	ه	ی	م	ی	ا	د	ق	ی	۱۸
۱۵	و	ز	ا	ر	ن	ب	و	ک	ن	ک	ه	ت	۱۹	۱۹

حل جدول ویژه شماره ۵۸۰۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	پ	ا	ن	ج	س	ا	ک	ت	ب	م	ه	ب	و	۵
۲	ا	ک	ی	ر	س	ی	و	ن	ی	س	م	ب	ا	۶
۳	ا	ب	ا	د	ف	ل	ا	ت	ز	ا	ر	ی	۷	۷
۴	ج	م	و	ی	ر	ا	ی	س	ی	ا	ه	ی	ب	۸
۵	س	ل	ا	خ	ا	م	ی	ا	م	ن	ا	ل	۹	۹
۶	ن	ک	و	ب	ا	م	ی	ا	ج	ا	ه	ک	ن	۱۰
۷	و	ا	ی	ر	م	ی	د	م	ه	ن	ا	ت	ر	۱۱
۸	ی	ل	ا	ق	ی	ه	و	و	ف	ا	ق	ی	۱۲	۱۲
۹	ن	و	ک	ر	ا	ن	ا	د	ا	ف	ا	ر	ا	۱۳
۱۰	چ	ل	و	ا	ر	م	ن	م	ن	م	ا	۱۴	۱۴	۱۴
۱۱	ک	و	د	ی	ا	ر	ی	ح	س	ا	ب	ر	۱۵	۱۵
۱۲	ش	ن	ی	ج	ا	ه	ی	ا	ح	ل	م	د	۱۶	۱۶
۱۳	و	ی	ی	م	ی	ا	ن	ه	و	و	ن	د	۱۷	۱۷
۱۴	د	ر	س	م	ف	و	ن	ی	م	ر	د	ک	ا	۱۸
۱۵	ن	ی	ک	ر	ی	د	م	ا	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹